



تحلیل بازتولید روایت عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک با استناد به تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فر کلاف

سمانه سراج^۱، سید رضا حسینی^{۲*}

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
^۲ دانشیار، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸، پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹

چکیده

این مقاله در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به مطالعه تحلیل روایت عاشورا کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک می‌پردازد که زبان تجسمی را به‌مثابه شکلی از کنش اجتماعی در نظر می‌گیرد و می‌کوشد زیربناهای ایدئولوژیک گفتمان عاشورا بر گرفته از مقتل ابومخنف را که بر اثر مرور زمان طبیعی شده و تغییر ساختار یافته را آشکار کند. تعامل این رویکرد در تحلیل کاشی‌نگاره، زمینه جدیدی را به وجود می‌آورد که در آن، فرآیند تغییر ساختار متن مبدأ و متن مقصد می‌تواند با نگاهی نو مورد تحلیل قرار گیرد. هدف از این پژوهش، تحلیل عوامل مؤثر در تغییر ساختار و فرآیند بازتولید روایت عاشورا با توجه به مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک و شناخت گفتمان‌های مؤثر در تغییر ساختار روایت عاشورا خواهد بود. این پژوهش در صدد یافتن پاسخ به این سؤالات است: عوامل تأثیرگذار در تغییر ساختار و فرآیند بازتولید روایت عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک کدام‌اند؟ بر اساس نظریه گفتمان انتقادی فر کلاف تغییر چه گفتمان‌هایی منجر به تغییر ساختارهای این روایت شده است؟ روش پژوهش، تحلیل محتوای انتقادی و از نوع پژوهش‌های کیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش، مشاهده و ابزار پوششگری نوین است. نتایج نشان می‌دهد که مسائلی مانند برخورد احساسی و عاطفی با بازتولید روایت و یا حتی ایدئولوژی‌های سیاسی خاص دوران قاجار، استفاده ابزاری و مادی از این روایت، وجود مستمعینی (هنرمند) بدون تعقل و تفحص، موجب تغییر ساختار این روایت شد. هرگونه تغییر، تبدیل، انتخاب واژگانی و دستوری، جاافتادگی و سهوالقلمی را می‌توان ایدئولوژیک تلقی کرد، که در آن ساختارهای روابط قدرت و عوامل فرهنگی و اجتماعی قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی

روایت عاشورا، مقتل ابومخنف، کاشی‌نگاره، تکیه معاون‌الملک، نورمن فر کلاف

استناد: حسینی، سیدرضا؛ سراج، سمانه (۳۰۴۱)، تحلیل بازتولید روایت عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک با استناد به تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فر کلاف، رهپویه هنرهای تجسمی، (۴)۷، ۳۱-۴۳، doi: 10.22034/ra.2024.2015473.1413

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱۵۱۲۱۲۵۰۰، E-mail: rz.hosseini@shahed.ac.ir



مقدمه

تاریخ تحلیل اندیشه شیعی در هنر نشان می‌دهد که بازتولید تصویری عناصر شیعی که ترکیبی از اعتقادات، باورها، اسطوره‌ها و حوادث تاریخی شیعیان است، به مثابه ابزار تبادل اندیشه‌های بشری تأثیرگذار بوده است. این تأثیرات به‌ویژه در روایت عاشورا که نقطه عطفی در تعامل فرهنگ و اندیشه شیعی در جامعه قاجار بود در راستای بیداری و روشن‌سازی افکار در سراسر جهان، هم‌چون شکلی از کنش اجتماعی همواره مورد توجه قرار گرفت؛ اما همانند دیگر ابعاد اجتماعی، بازتولید تصویری این روایت به‌ویژه در کاشی‌نگاره اماکن مذهبی چون تکیه معاون‌الملک، با توجه به قدرت و ایدئولوژی جامعه، بر اثر مرور زمان طبیعی جلوه داده شد و موجب تغییر در ساختار آن شد. از آنجاکه بازتولید روایت عاشورا از کتاب‌های معتبر تاریخی، برگرفته از روایت ابومخنف است و اولین مقتل عاشورا است در این پژوهش به‌عنوان متن مبدأ مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. به‌نظر می‌رسد بازتولید تصویری کاشی‌نگاره عاشورا تکیه معاون‌الملک که به‌عنوان متن مقصد مورد تحلیل قرار می‌گیرد، فعالیت ذهنی است که آگاهانه به‌گونه‌ای متأثر از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک جامعه بر هنرمند تصویرگری شده باشد. از این رو رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی باتوجه به آراء فرکلاف، نگاهی منتقدانه و نو به بازتولید تصویری روایت عاشورا کاشی‌نگاره با توجه به مقتل ابومخنف، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، خواهد بود که در نمایان شدن مواضع ایدئولوژیک جامعه بر این کاشی‌نگاره و کمک برای به‌دست آوردن چارچوبی متمرکز و روشمند، براساس سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین؛ مورد تحلیل قرار گرفت. هدف پژوهش، تحلیل عوامل مؤثر در تغییر ساختار و فرآیند بازتولید روایت عاشورا باتوجه به مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک و شناخت گفتمان‌های مؤثر در تغییر ساختار روایت عاشورا خواهد بود. این پژوهش در صدد یافتن پاسخ به این سؤالات است: عوامل تأثیرگذار در تغییر ساختار و فرآیند بازتولید روایت عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک کدامند؟ براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تغییر چه گفتمان‌هایی منجر به تغییر ساختارهای روایت شده است؟ ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که تحولات مضامین مهمی چون عاشورا در اندیشه شیعی می‌تواند به‌تأثیر از برخی جریان‌های سیاسی و اجتماعی و نیز تحولات حکومتی به‌وقوع پیوسته باشد و چه‌بسا دچار انحرافات در مضمون اصلی شود. کسب شناخت در این زمینه منجر به افزایش آگاهی و ایجاد درکی عمیق‌تر نسبت به این روایت خواهد شد. از آنجاکه پژوهشگران و هنرمندان بسیاری سعی در بازتولید این روایت دارند، در چنین فضای، توجه به تغییرات به‌وجود آمده در این روایت ضروری به‌نظر می‌رسد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی تحلیلی بر مبنای تحلیل محتوای انتقادی است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش، مشاهده و ابزار پویاشگری نوین است. جامعه هدف، یک کاشی‌نگاره روایت عاشورا از کل دوازده کاشی‌نگاره زینیه تکیه معاون‌الملک انتخاب شده است. شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها با توجه به آراء سه‌سطحی فرکلاف بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه تخصصی هنر با توجه به‌عنوان این پژوهش: فرآیند تغییرات در بازتولید روایت عاشورا در کاشی‌نگاره‌ی تکیه معاون‌الملک با تأکید بر زبان روایت مبدأ که مقتل ابومخنف در نظر گرفته شده، با استناد به رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف، به بررسی ارتباط نقش و قابلیت‌های اندیشه شیعی به‌ویژه عاشورایی در انتخاب فرم و رنگ در کاشی‌نگاره و ارتباط جامعه بر این انتخاب موجود پرداخته‌اند؛ اما از منظر روش‌شناختی در دو بعد استناد به رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف و توجه به ریشه‌شناسی تاریخی این روایت برگرفته از مقتل ابومخنف پژوهش منطبق با پژوهش پیش‌رو، صورت نگرفته است. لذا پژوهش حاضر سعی دارد تا به‌نحوی روش‌مند مسئله تغییر و تحول در بازتولید ساختار روایت عاشورا را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد که وجه افتراق این پژوهش با تحقیقات انجام شده، خواهد بود. پژوهش‌های هم‌راستا با این پژوهش، در سه دسته اصلی قابل تقسیم‌بندی هستند. دسته اول با محوریت مطالعات تخصصی کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک: آتنا شیرزادی و دیگران در مقاله *ارتباط موضوع و رنگ در کاشی‌نگاره‌های عاشورایی تکیه معاون‌الملک*، (۱۴۰۰)، نگره، شماره ۵۷، باهدف تبیین تأثیر موضوع بر انتخاب رنگ، کاشی‌نگاره‌ها را در تکیه معاون‌الملک با رویکردی ترکیبی (کمی، کیفی) و روش تحلیلی مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش موضوع عاشورا نقش تأثیرگذاری بر انتخاب رنگ در کاشی‌نگاره‌های عاشورایی تکیه معاون‌الملک دارد. نسترن نوروزی در مقاله *خوانش جامعه‌شناختی مضامین کاشی‌های تکیه معاون‌الملک*، (۱۳۹۶)، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، شماره ۲، باهدف ارزیابی ارتباط زمینه و بستر اجتماعی و شکل‌گیری اثر هنری، اغلب مضامین تصویر شده بر کاشی‌های تکیه معاون‌الملک، در پی تحولات دوره قاجار و فرآیند مدرن شدن، ارتباط گسترده با اروپا، ورود فناوری‌های جدید و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه شکل گرفته‌اند از این رو بازتابی از جامعه خویش‌اند. دسته دوم با محوریت مطالعات روش‌شناختی (رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف): سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، سیدحسام محمدزاده در مقاله *نقد کتاب تحول گفتمانی در گزارش واقعه کربلا با رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه*، (۱۳۹۹)، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، شماره ۷۷، باهدف اعتبارسنجی گفتمان‌های مورد بررسی و نادیده گرفتن بحث قدرت در بازتولید این روایت پرداخته‌اند. دسته سوم با محوریت: مطالعات تخصصی علوم دینی در زمینه روایت عاشورا و *مقتل ابومخنف*: حمیدرضا جدیدی در بررسی نقش *روضه‌الشهدای کاشفی* در گسترش *تحریرات تاریخ عاشورا*، (۱۳۹۹)، *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، شماره ۴۷، به بررسی انواع تحریف در واقعه عاشورا و بررسی دلایل ورود مجعولات و تحریفات تاریخی در بافت مطالعاتی دوره تیموری می‌پردازد. محمدهادی یوسفی غروی در کتاب *وقعه‌الطف بازسازی مقتل ابومخنف*، (۱۳۸۰)، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، به بررسی و گردآوری



قرار می‌دهد (Mazid, 2014: 1-435). در الگوی فر کلاف متن مورد نظر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌شود (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷). فر کلاف تمایزی بین سه مرحله تحلیل‌گفتمان انتقادی خود: در سطح توصیف متن، سطح تفسیر: رابطه‌ای بین متن و تعامل، سطح تبیین: رابطه‌ای بین تعامل و بافت اجتماعی قائل می‌شود. فر کلاف در الگوی خود سطح توصیف را پیش‌فرض دوسطح دیگر می‌داند. در سطح توصیف چند نمونه از عناصر موجود در ساختارهای گفتمان مدار همانند: گزینش‌های واژگانی و تحلیل‌ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای، بیانی، تحلیل روابط معنایی در گزینش عناصر، رابطه عاملیت نحوی (انتخاب صیغه معلوم و مجهول)، فرایند اسم‌سازی، باز‌نمایی استعارای امور واقع، نحوه گزینش از سیستم وجه، مورد تحلیل قرار می‌گیرند (Fairclough, 1985: 739-763). سه‌ارزش: تجربه‌ای، رابطه‌ای، بیانی در سطح توصیف بازتولید روایت عاشورا در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این روش که ملهم از الگوی فر کلاف است، ابتدا به باز‌نمایی ساختارهای گفتمان مدار روایت عاشورا کاشی‌نگاره و سپس توصیف آن‌ها بر اساس الگوی فر کلاف می‌پردازیم. بعد تجربی که در الگوی فر کلاف بیشتر مدنظر قرار گرفته این است که به چه صورت تفاوت‌های ایدئولوژیک بین متن مقتل ابومخنف و کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک، در بازتولیدهای مختلفی که از دنیای زمان خود ارائه می‌دهند در عناصر و واژگان آن دو رمزگذاری شده است. این تفاوت‌ها بین این دو متن بررسی می‌شود. به دلیل حجم شدن مطالب و محدودیت پژوهش، از ذکر تمامی گفتمان‌های عاشورا خودداری کرده و تنها به گفتمان حضرت عباس بسنده می‌کنیم. در تحلیل توصیفی ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی گزینش عناصر به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا سرنخی از تجربه هنرمند از جهان طبیعی یا اجتماعی باز‌نمایی شده است؟ چرا که ارزش تجربی با محتوا، دانش، اعتقادات درگیر می‌شود. جهت تفسیر متن مقصد، تلفیقی از زبان تجسمی و واقعه عاشورا و دانش پژوهشی مفسر نسبت به متن مبدأ در نظر گرفته شده است. در سطح تفسیر، رابطه‌ای بین متن مقصد و تعامل اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سه‌عمل اجتماعی تحت عنوان: مضامین، روابط و فاعلان، توسط گفتمان شیعی محدود شده است. تأثیر این محدودیت بر آگاهی، اعتقادات، مناسبات اجتماعی و در نهایت هویت اجتماعی خود را نشان می‌دهد. طبق باور فر کلاف برای تحلیل این تأثیرات باید از سطح توصیف فراتر رفت. چرا که رابطه متن مقصد و شرایط اجتماعی دوران قاجار رابطه‌ای غیرمستقیم است. متن مقصد بخشی از گفتمانی است که در جریان تعامل اجتماعی به وجود آمده است. شرایط خلق متن مقصد بر اساس پیش‌فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم (درک عامه)، ارزش‌های ویژه‌ای را شامل شده که نسبت با متن مبدأ تغییر یافته است. این تغییرات در گفتمان حاضر به حالتی واقع‌بینانه درمی‌آید و مقبول توده مردم می‌شود. سطح تفسیر در دوسطح: بافت موقعیتی گفتمان حضرت عباس و رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت، تحلیل می‌شود. هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ فر کلاف تبیین گفتمان را به عنوان کنشی اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها می‌توانند چه نوعی از تأثیرات

مقتل‌الحسین ابومخنف می‌پردازد. نویسنده با استناد به چهار کتاب تاریخی معتبر شروع به بازبینی مجدد می‌کند تا نوشته‌های ارزشمند ابومخنف را از تحریفات مجعول‌الهی به حفظ کند. از آنجا که این بازبینی معتبر و مورد تأیید اندیشمندان است به صورت زبان مبدأ در این پژوهش در نظر گرفته شده است.

مبانی نظری پژوهش

گفتمان و تحلیل‌گفتمان انتقادی

تانن^۲، استابز^۳ و تورن بارو^۴، معتقدند که گفتمان و تحلیل‌گفتمان تعریف وسیعی دارد و نمی‌توان تعریف جامعی از آن ارائه داد (Stubbs, Thornborrow, & Tannen, 1993: 1-263 & (1995: 193-194). اصطلاح تحلیل‌گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف زلیک هریس^۵ به کار رفته است. وی در این مقاله با ارائه بعدی صورت‌گرایانه از جمله، تحلیل‌گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه به جمله و متن به حساب می‌آورد. بعد از هریس بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل‌گفتمان را نقطه‌ای مقابل تحلیل‌متن دانستند. بنابر رویکرد جدید (غیر سنتی) تحلیل‌گفتمان، مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی که متن تحت تأثیر آن‌ها تولید می‌شود را در کنار مطالعه خود متن بررسی می‌کند و هدف آن بررسی زمینه (بافت) سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان؛ چگونگی تأثیر ارتباطات بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن و تأثیر گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مورد نظر است (Gee & Green, 1998: 119-169). تحلیل‌گفتمان انتقادی، نحوه‌ی استفاده‌ی غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات، که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاصی به وجود می‌آید و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌کند. در این تحلیل مسائلی چون چگونگی تشکیل روابط اجتماعی، هویت، دانش و قدرت از طریق متون نوشتاری و گفتاری یا اینکه نهادهای اجتماعی از طریق گفتمان چگونه شکل می‌گیرند، از مباحث اصلی تحلیل‌گفتمان انتقادی به‌شمار می‌روند. تحلیل‌گفتمان انتقادی به تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی می‌پردازد؛ تا چگونگی سو-استفاده نوشتار و گفتار گروه‌ها و نهادهای مسلط از قدرت را در جهت مشروعیت‌دادن به آن بررسی کند (Van Dijk, 1993: 249-283). در حوزه‌ی تحلیل‌گفتمان انتقادی، برخی از پژوهشگران مانند ون دایک^۶، فر کلاف^۷، ون لیوون و ووداک^۸، به‌منظور تعیین شاخصه‌های گفتمان مدار و تحلیل‌متن، به معرفی الگوی خود پرداختند (Van Dijk, 1993: 249-283) (Wodak, 2011: 193-217) (Fairclough, 1992: 193-217) (Van Leeuwen, 2009: 277-292). از آن میان نورمن فر کلاف، از برجسته‌ترین اندیشمندان در این زمینه است (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۰). فر کلاف به بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی با توجه به فرآیندهای ایدئولوژیک موجود در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان توجه می‌کند و عناصر زبانی و غیرزبانی (تصویری) را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود



دستیارانش تزئین شده است (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). معاون الملک (۱۳۰۷) با وقف تکیه برای عزاداری ارادت خود را نسبت به ائمه معصومین (ع) نشان داد (شهبازی و شهبازی، ۱۳۸۶: ۵۱-۴۶). این بنای کم نظیر از سه بخش اصلی حسینیه، زینبیه و عباسیه تشکیل شده است که بیشترین تعداد تابلوهای مرتبط با عناصر اندیشه شیعی در بخش زینبیه قرار گرفته است. مقبره معاون الملک در زینبیه، مرکزی ترین قسمت و تنها فضای گنبددار تکیه قرار گرفته است.

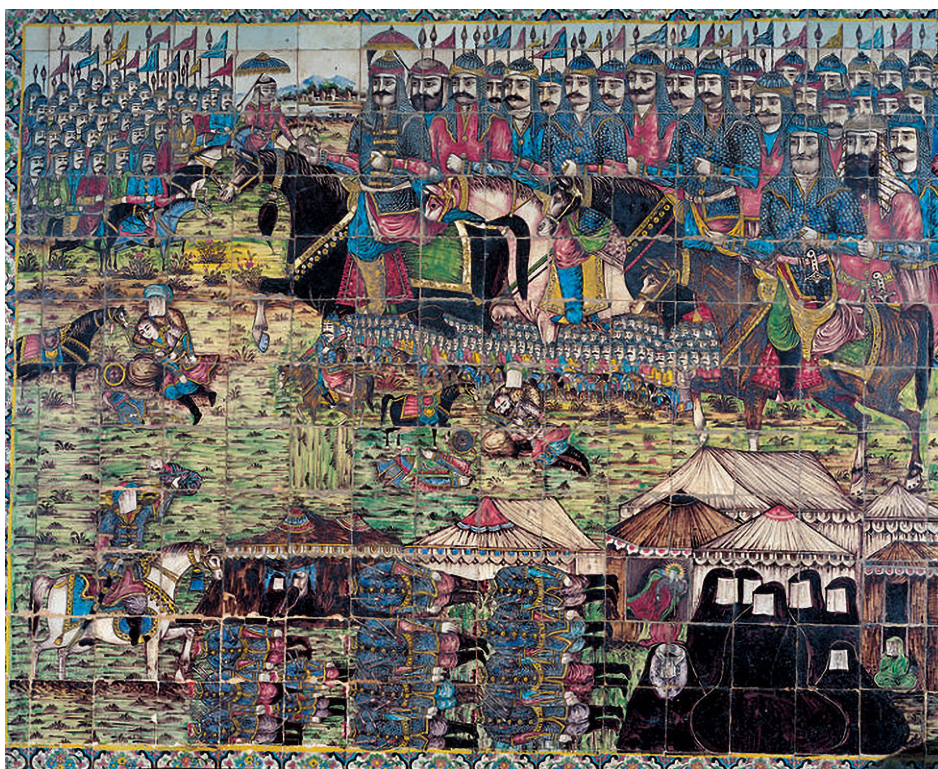
تحلیل داده‌ها سطح توصیف: تحلیل رمز گذاری باز تولید روایت عاشورا (متن مقصد) نسبت به (متن مبدأ)

با استناد به رویکرد فر کلاف در گزینش‌های واژگانی، شاهد واژه‌سازی افراطی هستیم (Frawley, 1993: 1-259). ساختار متن مقصد با توجه به بعدی از واقعیت می‌تواند نشانگر این مطلب باشد که اینجا مرکز مبارزه‌ای ایدئولوژیک است؛ در نتیجه همه گونه باز تولید در انتقال پیام و جان مایه متن مبدأ به متن مقصد تأثیر گذار بوده تا جایی که منجر به تغییر پیام و جان مایه اصلی متن مبدأ شده است (تصویر ۱). زبان (نوشتاری و تصویری) و متن (مبدأ و مقصد) نمودهایی از پیام اجتماعی-سیاسی و اخلاقی و روابط قدرت هستند. در امر باز تولید، نگاه کلی بر یک متن برای هنرمند این امکان را فراهم ساخته تا عوامل فرا زبانی را چون: عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی بر اساس بافت زبان مقصد دخالت دهد. فر کلاف اعتقاد دارد کنش‌های زبانی با توجه به روانی، کارایی و تأثیر اجتماعی ارزیابی می‌شوند. این یعنی ایدئولوژی ابزار زبان، به مثابه ابزاری برای انجام دادن است (Fairclough, 2003: 1-288). حذف عبارات و جمله‌ها و یا تغییر آن‌ها در انتقال کل پیام تأثیر گذار خواهد بود (جدول ۱).

باز تولیدی را بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). برای درک بهتر سطح تبیین در دو سطح باز تولید گفتمان حضرت عباس و رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت به تحلیل تبیین کاشی نگاره می‌پردازیم. ساختارهای گفتمان مدار در این پژوهش ساختارهایی جامعه‌شناسانه و زبان‌شناسانه هستند که استفاده یا عدم استفاده از آن‌ها و یا تغییر و تحول آن‌ها به شکلی دیگر در گفته یا متن موجب می‌شود که از آن متن برداشت‌های متفاوتی صورت بگیرد، موضوعی پنهان و مبهم گردد یا بالعکس موضوع برجسته و واضح گردد یا قسمتی برجسته و قسمتی در حاشیه قرار گیرد (یار محمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۶۶). با بررسی این ساخت‌های گفتمان مدار در کاشی نگاره، عناصر تصویری تا میزان صراحت و پوشیدگی عناصر نسبت به زبان مبدأ اَبومخفف مورد مطالعه قرار گرفته است.

تکیه معاون الملک کرمانشاه

یکی از نمونه‌های معماری مذهبی دوران قاجار تکیه معاون الملک کرمانشاه است. حسن خان آلیانی (معین‌الرعا یا از طرف مظفر الدین شاه) بانی بنا (۱۲۸۱) تکیه را از لحاظ سیاسی، مکانی برای رفع اختلافات اجتماعی در نظر گرفت. بعد از کشته شدن معین‌الرعا، برادرش معاون الملک ضمن مرمت و بازسازی بنا، در زمان احمد شاه (۱۲۹۶)، شروع به ساخت دوبنای زینبیه و عباسیه کرد. حسن خان معاون الملک از کاشی به جای نقاشی و گچ‌بری، که از استحکام بیشتری برخوردار است، استفاده کرد (مهدی‌آبادی و خدیوی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). کاشی‌کاری‌های این تکیه، جزء شاهکارهای کاشی‌کاری دوران قاجار با مضمون مذهبی است (پنجه‌باشی و فرهد، ۱۳۹۴: ۱۶). این بنا با هنرنمایی استاد حسن تهرانی و چهار تن از



تصویر ۱. کاشی‌نگاره ظهر عاشورا، ۱۲۹۶، زینبیه، تکیه معاون الملک، ۲۸۰×۳۲۰ سانتی‌متر، کرمانشاه.

جدول ۱. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، گزینش عناصر تصویری متن مقصد با توجه به متن مبدأ، تکیه معاون‌الملک.

متن مبدأ	متن مقصد
مقتل ابومخنف، منج: (یوسفی غروی، ۱۳۸۰: ۱۸۲-۱۸۳)	کاشی‌نگاره ظهر عاشورا، تکیه معاون‌الملک
واژه «تشنگی» در خط اول متن ابومخنف، در ابتدای اول گفت‌وگو حضرت عباس، در ارتباط با امام حسین (ع) به کار برده شده که معنایش بسیار آشکار است. برای انتخاب عنصر تصویری مناسب با این واژه گفت‌وگو مدار، اشاره استعاری تصویری لحاظ نشده است. در جایگزین کردن که جهت آن از زبان نوشتاری فارسی به عناصر تصویری کاشی‌نگاره است، اصطلاحات، استعاره‌ها و هریک باید به عنوان یک واحد پیام یا معنا در نظر گرفته شود. آنچه برای بازتولید - هنرمند با ارزش است، حفظ ارزش پیام یا معنای استعاری آن واحداست. پس برای این واژه در فارسی، جایگزین تصویری انتخاب نشده است. یکی از وظایف هنرمند حفظ ارزش‌های تجربی متن مبدأ در متن مقصد است؛ زیرا با حفظ ارزش‌ها پیام متن مبدأ و ارزش تجربی آن به انتخاب درست و ارزش تجربی مناسبی در متن مقصد برگردانده خواهد شد. (تصویر ۱)	«تشنگی حسین (ع) شدت یافته بود»
«از این رو قصد فرات را نمود»	واژه گفت‌وگو مدار بعدی «فرات» است که رودی است شناخته شده در بین مردم برای انتخاب جایگزین تصویری مناسب این واژه، نه اشاره تصویری مستقیم و نه اشاره استعاری مفهوم لحاظ نشده است.
 <p>«در حالی که برادرش عباس پیش رویش حرکت می‌کرد»</p> <p>واژه گفت‌وگو مدار بعد «پیش رو بودن حضرت عباس» نسبت به امام حسین است. هنرمند در انتخاب عنصر تصویری، با قرار دادن تصویر حضرت عباس جلوی تصویر امام حسین، اما نه در شرایط ایستایی بلکه در شرایط شهادت ایشان، توانسته بار تحت‌اللفظی این اصطلاح را رعایت کند اما نه در جایگاهش... (تصویر ۱)</p>	
 <p>«در همین حال سپاه ابن سعد - که لعنت خدا بر او باد - به او حمله ور شد»</p> <p>واژه گفت‌وگو مدار دیگر «حمله» کردن سپاه ابن سعد به سمت امام حسین است. هنرمند جایگزین تصویری مناسبی، برای حمله ور شدن سپاه ابن سعد انتخاب نکرده است. جایگزین تصویری واژه «سپاه ابن سعد» فقط بدون هیچ حرکتی، انتخاب شده است. بار استعاری این انتخاب اشاره به قدرت و شرایط مناسب جایگاه سپاه ابن سعد نسبت به امام حسین است اما اشاره‌ای به حضرت ابوالفضل در نقش سقا، نه تنها در متن مبدأ، بلکه در متن مقصد هم نشده است... (تصویر ۱)</p>	
 <p>«مردی از بنی دارم ارمیانشان به آن‌ها گفت: وای بر شما بین او و فرات حائل شوید و اجازه ندهید به آب‌دست پیدا کند»</p> <p>واژه گفت‌وگو مدار دیگر «مردی از بنی دارم» و «در میانشان» است. ابومخنف اشاره به مردی می‌کند که نقش پررنگی در فاصله انداختن بین امام حسین و فرات، داشت. شناختی که ابومخنف از این مرد می‌دهد نقش منفی او در سپاه ابن سعد است و از هیچ توصیف دیگری در قالب واژگان استفاده نمی‌کند. هنرمند برای انتخاب عنصر مناسب تصویری، مردی سوار بر اسب اما پشت به امام و حضرت عباس به تصویر کشیده است. جهت منفی مرد سوار، استعاره‌ای از نقش منفی این مرد است. این مرد در میانه سپاه قرار گرفته است. انتخاب هنرمند در جایگزین مناسب جایگاه این مرد به گونه‌ای دیگر بوده و نه تنها در میانه سپاه این مرد را نکشیده بلکه جدای از سپاه و در رأس سپاه قرار داده است... (تصویر ۱)</p>	
<p>«حسین (ع) فرمود: بار الها او را به تشنگی گرفتار کن. مرد دارمی خشمگین گردید و تیری به سوی او پرتاب کرد و آن را در چانه‌اش نشاند، حسین تیر را بیرون کشیده و دستش را زیر چانه‌اش گرفت، کف دودستش پراز خون شده، آن را ریخت»</p> <p>هنرمند جایگزین تصویری برای این واژگان در نظر نگرفته است</p>	
<p>«و فرمود: خدایا از آنچه با پسر دختر پیامبرت رفتار می‌شود نزد تو شکایت می‌کنم»</p> <p>هنرمند جایگزین تصویری برای این واژگان در نظر نگرفته است.</p>	
<p>«در حالی که تشنگی‌اش بیشتر شده بود به جایگاهش بازگشت»</p> <p>هنرمند بازگشتن امام حسین به جایگاهش را در نظر نگرفته است. بلکه برخلاف متن مبدأ در همان حال ایشان را نگه داشته است. آنچه از این نوع جایگزینی عناصر تصویری می‌توان به دست آورد آن است که هر واژه با واژه متضادش جایگزین شده و با بقیه عناصر تصویری روابط معنایی جدیدی برقرار کرده است. بدین ترتیب معنای آن از معنای متن مبدأ دورگشته است. اگر هنرمند بدون در نظر گرفتن واژه‌های متن مبدأ اقدام به بازتولید عناصر با معنایی جدیدی کند، انسجام معنایی متن نیز به هم می‌ریزد و بازتولیدی نامطلوب حاصل می‌گردد؛ اما می‌توان تغییر ساختار واژه متن مبدأ به بازتولید متن مقصد را به نوعی، انتقال نیت هنرمند نسبت به اهداف اخلاقی متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی دوران دانست.</p>	
 <p>«این در حالی که بود که سپاه عمر بن سعد عباس را محاصره کرده و بین او و حسین (ع) فاصله انداخته بودند به طوری که عباس از آن پس به تنهایی با آن‌ها می‌جنگید تا کشته شد - رضوان خدا بر او باد»</p> <p>هنرمند جایگزین تصویری مناسبی برای واژه محاصره کردن حضرت عباس در نظر نگرفته است. فاصله انداختن بین امام حسین و حضرت عباس در این بازتولید تصویری در نظر گرفته نشده است؛ بلکه هنرمند خلاف این واژگان را جایگزین مناسب‌تری دانسته و حضرت عباس را در آغوش امام حسین، جایگزین مناسب دانسته است. در نتیجه با بررسی این بازتولید تصویری با توجه به متن مبدأ، با استفاده از اصول و مفاهیم زبان به مثابه تحلیل گفت‌وگو انتقادی می‌توان گفت که بازتولید روایت عاشورا کاشی‌نگاره در انتقال واژگان مورد بحث متفاوت عمل کرده است که به نوعی بر بازتولید اندیشه پنهان در ایدئولوژیک خاص دو دوران آن واقعیت بزرگ مبتنی است. (تصویر ۱)</p>	
<p>«عباس بعد از اینکه زخم‌های فراوانی بر او وارد گردیده، به طوری که از پای درآمده و توان حرکت نداشت، به دست زید ابن ورقاء حنفی و حکیم بن طفیل سنبسی به قتل رسید»</p> <p>هنرمند در جایگزین قرار دادن واژگانی چون از پای در آمدن حضرت عباس موفق عمل کرده است. طوری که با به تصویر در آوردن مورب پیکره حضرت عباس در حال شهادت در آغوش امام، می‌خواسته القای بار استعاری از پای در آمدن نشان دهد ولی این بار با تغییر واژگان به قتل رسیدن ایشان توسط دو نفر، ترجیح داده این شهادت را در آغوش امام شیرین جلوه دهد و اشاره‌ای به قاتلان ایشان نشده است.</p>	



تحلیل توصیفی ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی در گزینش عناصر

متن مقتل ابومخنف شیوه‌های تجربی را از دیدگاه راویان نزدیک به عاشورا در قالب عبارت‌بندی: اعتراض‌جویانه، لعن و نفرین‌گرایانه در مقابل «دعاگرایانه» آن‌هم به مقدار ناچیز قرار داده است (Fairclough, 2001: 140-170). برای مثال: لعنت و رضوان به ترتیب تعلق به چارچوب‌های ایدئولوژیک، متفاوتی دارند. این چنین هم‌نشینی کلمات در یک متن، نوع ایدئولوژی خاصی به متن می‌دهد. در حالی که در متن مقصد، نوعی هم‌نشینی عناصری چون: در آغوش امام قرار گرفتن، جدانشدن در تقابل با عناصر دیگری چون جدانشدن دودست حضرت عباس، در آمدن کلاه‌خود، ضربت شمشیر بر فرق پیشانی ایشان، به تصویرنکشیدن تیری بر چانه امام، نبودن فرات؛ همه منجر به طرح ایدئولوژی مسلطی بر طبقه‌بندی رفتار به دست می‌دهد. واژه‌سازی افراطی در کاشی‌نگاره نشان از شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است که در جهت نشان‌دادن کانون مبارزه‌ای ایدئولوژیک می‌باشد (Fairclough, 2001: 158-160). این کاشی‌نگاره ممکن است مستقیماً از روابط معنایی موجود در گفتمان خاصی بهره‌برده باشد. ارزش رابطه‌ای با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار دارد که از طریق کاشی‌نگاره در گفتمان به اجرا درآمده است (Fairclough, 2013: 235-243). در این کاشی‌نگاره از نظر ساختاری و توصیفی متن مبدأ از ارتباط امام حسین و حضرت عباس با لشکریان یزید، می‌توان به نوعی از ایدئولوژی مختلف در دو متن پی‌برد که در قالب عناصر تصویری کاشی‌نگاره تجلی یافته است. نحوه ساختار یافتگی عناصر، ارزش رابطه‌ای بین شخصیت‌ها و حتی منظور و نیت کاشی‌نگار از نحوه بازتولید و ترکیب آن‌ها را نشان می‌دهد. این رابطه هم‌معنایی در هیچ‌کدام از گفتمان‌ها هم‌معنا نیست. متن مقصد مستقیماً از روابط معنایی ایجادشده در گفتمان خاصی استفاده کرده است. روابط معنایی به وجود آمده در گفتمان مقصد را می‌توان مرتبط با ایدئولوژی خاص دوران قاجار دانست؛ چه این ایدئولوژی در بستر نوع خاصی از گفتمان قرار گرفته باشد و چه به صورت خلاقانه در کاشی‌نگاره به وجود آمده باشد. ارزش بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد (Fairclough, 2013: 243-254). در تحلیل ارزش بیانی سرنخی از ارزشیابی هنرمند نسبت به بخشی از واقعیت مرتبط، ارائه می‌شود. نمونه‌هایی از ارزشیابی منفی نویسنده از اعمال توصیف‌شده در جملات متن مبدأ همچون: «لعنت خدا بر او باد»، «بار الهی او را به تشنگی گرفتار کن»، «خدایا از آنچه با پسر دختر پیامبر رفتار می‌شود نزد تو شکایت می‌کنم»، «اجازه ندهید به آب‌دست پیدا کند» و نمونه‌هایی از ارزش بیانی مثبت همانند: «رضوان خدا بر او باد». این گونه تضادها منجر به برخوردی بین ارزش‌های بیانی می‌شود. نمونه ارزش بیانی منفی در متن مقصد شامل: «در نظر گرفتن جایگاه امام حسین و حضرت عباس در سطح کوچک» مقابل «قراردادن سطح گسترده‌ای برای لشکریان یزید»، «جدانشدن دودست حضرت عباس»، «زخم حاصل از ضربت شمشیر بر فرق سر ایشان» و نمونه ارزش بیانی مثبت همانند: «در کنار هم قرار گرفتن این دو شخصیت». کاشی‌نگار با

بازتولید ارزش‌های بیانی خود از طریق طرح‌های طبقه‌بندی تصویری، نظام‌های ارزش‌یابی خود را شکل می‌دهد. این گونه ایدئولوژی متضاد، ارزش‌های متفاوت را در گفتمان‌های مختلف به تصویر درمی‌آورد. در متن مقصد جمع ارزش‌های بیانی برای اهداف اقناعی خاصی مدنظر کاشی‌نگار بوده است. ارجاعات ایدئولوژی متضاد از طریق ارزش‌های بیانی متفاوت به تصویر درآمده است (جدول ۲).

تحلیل توصیفی روابط معنایی موجود در ارزش‌های تجربی گزینش عناصر تصویری (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی)

برای تحلیل این مرحله به بررسی جایگاه عناصر تصویری جایگزین کلمات متن مبدأ می‌پردازیم. کاشی‌نگار برای جایگزین عناصر نسبت به کلمات روایتگر متن مبدأ از تضاد معنایی استفاده کرده است. برای مثال: فاصله امام حسین و حضرت عباس در متن مبدأ در تضاد با نزدیکی امام و حضرت عباس در متن مقصد؛ وجود رود فرات در متن مبدأ در قالب واژگان در تضاد با فضای بدون رود در متن مقصد قرار گرفته است. اشاره به شهادت حضرت عباس در متن مبدأ در حد کلماتی چون «زخم فراوان» آمده است که در تضاد با عناصر متن مقصد است؛ چون دودست جدانشده از بدن حضرت عباس، زخم شمشیر در فرق سرشان و اشاره به کلاه‌خود درآمده و سپرافتاده بر زمین دارد. اشاره به قاتل حضرت عباس در متن مبدأ، در تضاد با اشاره نکردن تصویری برای قاتل ایشان در متن مقصد است. هنرمند از بعضی واژه‌سازی‌های افراطی و پنهان‌سازی‌های عناصر در متن مقصد استفاده کرده است (جدول ۳).

تحلیل توصیفی استعاره‌های موجود در ارزش‌های تجربی در گزینش عناصر تصویری متن مقصد

استعاره، گونه‌ای ابزار برای نمایاندن بخشی از تجربه مطابق بخش دیگری از آن است (Fairclough, 2013: 9-20). کلیه ابعاد تجربه در گفتمان می‌تواند خود بازنمایی استعاره‌ای باشد. بازنمایی استعاری مسائل اجتماعی به صورت گوشه‌گیری و تنها ماندن، کوچک‌بینی و ظلم، بدین صورت که در گفتمان حضرت عباس در کاشی‌نگاره به تصویر درآمده، امری معمول است. استعاره‌ها علائق مسلط جامعه را به صورت علائق کل در نظر می‌گیرند همانند: استعاره مناسب «جنگ» می‌تواند کشتار باشد. جنگ به عنوان اعتراضی پرسروصدا به همراه تقویت بعدی از جامعه و در مقابل تضعیف بعد دیگرش به کار می‌رود. استعاره مناسب برای بخشی از جنگ عاشورا تحت عنوان مبارزه حضرت عباس می‌تواند: استعاره‌ای از زندگی مقابل مرگ، قیام مقابل ظلم و بی‌عدالتی، فداکاری مقابل خیانت باشد. اما باید توجه داشت کدام استعاره مدنظر است؛ استعاره قربانی در نقل فاجعه بار رویداد عاشورا، و قربانی دانستن شهدای آن مورد نکوهش قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۳). استعاره‌ها اشاره به روش‌های گوناگون برخورد با امور دارند: بانحراف در دین و اخلاق و افراد ناشایست نمی‌توان با گفتگو برخورد کرد، شاید از طریق مقابله‌ای اجباری بتوان نسبت به جامعه با زبان بی‌زبانی اشاراتی کرد (بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۱۸). مردم فریب‌خورده را بیدار کرد. پس ریشه فساد و تباهی



جدول ۲. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی در گزینش عناصر، تکیه معاون الملک.

ارزش بیانی		ارزش رابطه‌ای		ارزش تجربی	
متن مقصد	متن مبدأ	متن مقصد	متن مبدأ	متن مقصد	متن مبدأ
تضاد برخوردی بین ارزش‌های بیانی از طریق طرح‌های طبقه‌بندی تصویری	تضاد برخوردی بین ارزش‌های بیانی	وجود ارزش رابطه‌ای بین شخصیت‌ها با یکدیگر	وجود ارتباط بین امام حسین و حضرت عباس با لشکریان یزید	طرح ایدئولوژی مسلطی بر طبقه‌بندی رفتار	شیوه‌های تجربی از دیدگاه راویان نزدیک به عاشورا
		مستقیماً مرتبط با ایدئولوژی خاصی در بستر نوع خاصی از گفتمان		واژه‌سازی افراطی	هم‌نشینی ایدئولوژی متضاد همانند لحن لعن و رضوان
				هم‌نشینی و تعامل عناصر	

در دین را بدون کمک و یاری یکدیگر نمی‌توان نابود کرد (جدول ۴).

جدول ۳. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی روابط معنایی موجود در ارزش‌های تجربی گزینش عناصر تصویری، تکیه معاون الملک.

هم معنایی	شمول معنایی	تضاد معنایی
✓	×	×

تحلیل توصیفی فرآیندها و مشارکین مسلط ارزش‌های تجربی

گزینش عناصر تصویری، گزینش ساده خبری است. دو نوع فرآیند اصلی در این گفتمان وجود دارد: کنش‌ها، رخدادها. کنش مستلزم وجود دو شرکت‌کننده است: کنش‌گر و کنش‌پذیر، کنش‌گر بر کنش‌پذیر عمل می‌کند (Fairclough, 2013: 78-80). در متن مبدأ سپاه ابن سعد و مردی از بنی‌دارم، زیدابن ورقاء حنفی و حکیم بن طفیل سبسی کنش‌گر هستند، در حالی که امام حسین و حضرت عباس کنش‌پذیرند. تمام مشارکین جاندار هستند، کنش‌گران نیز جاندارند. در متن مقصد کنش‌گران موجود، شامل سپاه ابن سعد و مردی که پشت به امام و حضرت عباس سوار بر اسب است، به نظر می‌رسد مردی از بنی‌دارم است، بدون قاتلین حضرت عباس انتخاب شده‌اند. رخداد مورد نظر دارای مشارکین جاندار است. برای نشان دادن وجود رخداد کافی است بتوان به این پرسش پاسخ گفت که چه اتفاقی افتاده است؟ مبارزه‌ای رخ داده است. پس نشانگر وجود یک رخداد است. پرسش بعد فاعل چه کرد؟ فاعل که هم امام حسین و هم حضرت عباس را شامل می‌شود، در برابر این مبارزه دفاع کردند. پس بیانگر کنش است. امکانات ایدئولوژیک، انتخاب بین فرآیندها را نشان می‌دهند. بازتولید مرگ با شهادت حضرت عباس در این گفتمان به صورت کنشی با کنش‌گران مشخص شده در متن مبدأ و مشخص نشده در متن مقصد، به صورت یک رخداد یا یک حالت وصفی، انتخاب‌هایی کاملاً واضح هستند؛ جدا شدن دودست حضرت عباس و ضربت خوردن ایشان به صورت یک رخداد یا کنشی از طرف کنش‌گران، به همین صورت تعریف می‌شود. این انتخاب‌ها برای برجسته‌سازی یا زمینه‌سازی برای کنش‌گران امکان دارد منسجم، خودبه‌خود و مبتنی با عقل سلیم و ایدئولوژیک باشند (Van Dijk, 2013: 110-135). یا اینکه نوعی سیاست آگاهانه برای تحت‌تأثیر قرار دادن اذهان مردم باشد؛ اما غیبت کنش‌گر اصلی در شهادت حضرت عباس مورد توجه است. اینجا کنش‌گر مطرح نیست بلکه کنش به وجود آمده مطرح است. در متن مقصد کنش‌گر بزرگ که سپاه ابن سعد در نظر گرفته شده بدون وجود دو کنش‌گر اصلی مسئول شهادت حضرت عباس: زیدابن ورقاء حنفی و حکیم بن طفیل سبسی، بازتولید شده که می‌تواند نشان از انگیزه‌های

جدول ۴. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی استعاره‌های موجود در ارزش‌های تجربی در گزینش عناصر تصویری متن مقصد، تکیه معاون الملک.

بازنمایی استعاری	بازنمایی استعاری	بازنمایی استعاری
بازنمایی استعاری اشاره به روش‌های گوناگون برخورد با امور	علاقه مسلط جامعه به صورت علائق کل	مسائل اجتماعی
برخورد با انحراف در دین برخورد با انحراف در اخلاق برخورد با افراد ناشایست	زندگی مقابل مرگ قیام مقابل ظلم و بی‌عدالتی فداکاری مقابل خیانت	گوشه‌گیری و تنه‌اماندن کوچک‌بینی و ظلم

جدول ۵. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی فرآیندها و مشارکین مسلط ارزش‌های تجربی، تکیه معاون الملک.

فرآیندها و مشارکین			
رخدادها	کنش‌ها		
	متن مقصد		متن مبدأ
مبارزه	کنش‌پذیر	کنش‌گر	کنش‌پذیر
	سپاه ابن سعد و مردی که پشت به امام و حضرت عباس سوار بر اسب بدون قاتلین	امام حسین و حضرت عباس	سپاه ابن سعد و مردی از بنی‌دارم، قاتلین: زیدابن ورقاء، حنفی و حکیم بن طفیل سبسی



جدول ۶. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی معلوم و مجهول بودن ارزش‌های تجربی گزینش عناصر، تکیه معاون الملک.

متن مقصد			متن مبدأ		
کنش‌گر اصلی	فرایند کنش	کنش‌پذیر (حضرت عباس)	کنش‌گر اصلی	فرایند کنش	کنش‌پذیر (حضرت عباس)
مجهول	مجهول	معلوم	معلوم	معلوم	معلوم

مبارزه حضرت عباس مدنظر است. فعالیت این مبارزه، حرکت به سمت رودفوات باهدف رفع تشنگی، باتوجه به روایت متن مبدأ است. در متن مقصد، روایت عاشورا به همراه روایت حضرت عباس بازتولید شده است. فعالیت مدنظر کاشی‌نگار شهادت ایشان است. هدف از این بازتولید شناخت و معرفت کامل و یقین نسبت به مقام ولایت و فداکاری در راه ولایت است. شخصیت‌های درگیر ماجرا، در متن مبدأ، از یک طرف امام حسین با ارزشی پررنگ‌تر از حضرت عباس و در طرف دیگر سپاه‌ابن‌سعد، مردی از بنی‌دارم است. در مبارزه دوجایگاه وجود دارد: حمله‌کننده و دفاع‌کننده. نهاد اجتماعی، تعیین‌کننده هویت اجتماعی فاعلانی است که در چارچوب مبارزه عمل کنند (Van Leeuwen, 2009: 277-292). در این مبارزه ما با امام حسین، حضرت عباس، سپاه ابن‌سعد و مرد بنی‌دارمی مواجهیم. مرد بنی‌دارمی، قاتل حضرت عباس و مسئول ضربت خوردن امام حسین هست؛ اما در برابر پاسخ به این سؤال در متن مقصد، هم امام حسین و هم حضرت عباس با ارزشی برابر و در طرف دیگر سپاه‌ابن‌سعد، مردی سوار در جهت مخالف به موقعیت امام و حضرت عباس داریم. دوجایگاه مبارزه برگرفته از متن ابومخنف با اندکی تغییرات چون: حمله‌کننده که سپاه‌ابن‌سعد باید در نظر گرفته شود، در متن مقصد در بالای کادر با عناصری بزرگ‌تر از جایگاه دفاع‌کننده که امام حسین و حضرت عباس هستند، در نظر گرفته شده، اما بدون توجه به دوجایگاه در مبارزه بازتولید شده است. هیچ‌کدام از اعضای این دو جایگاه چه حمله‌کننده و چه دفاع‌کننده کنشی را انجام نمی‌دهند. در حالی که در متن مبدأ ما با کنش دوطرفه مواجهیم. نهاد اجتماعی تعیین‌کننده هویت اجتماعی، در متن مبدأ، یزیدیان و حسینیان در نظر گرفته شده است. هردو گروه در جایگاهی دوبعدی (قاتل، مقتول) قرار دارند. در متن مقصد نیز این جایگاه با بازتولید در سطح تصویر به صورت عناصر بزرگ و کوچک در نظر گرفته شده است. روابط میان آن‌ها، در متن مبدأ، و از نظر یزید و سپاهیان ابن‌سعد، بیعت گرفتن در چارچوب رسمی بسیار مهم‌تر از ابراز همدلی و انسان‌دوستی و رفع عطش اهل بیت است، پس یا بیعت می‌دهند و یا کشته می‌شوند. حال این که در متن مقصد، به جایگاه ارزشمند انسانی و همدلی بیشتر توجه شده و با بازتولید عناصری مانند، در آغوش گرفتن حضرت عباس توسط امام حسین، نقش ارزشمند این ارزش‌انسانی بازتولید شده است. نقش زبان در این ماجرا، ابزاری برای دادوستد اطلاعات است؛ اطلاعاتی که برای فهم‌عامه، از این روایت تاریخی، چه در متن مبدأ و چه در متن مقصد در نظر گرفته شده است. این‌گونه اطلاعات در متن مبدأ از طریق برقراری رابطه با فاعلان حاضر در واقعه عاشورا و سؤال و پاسخ در جایگاه مصاحبه‌کننده و صدق اطلاعات،

ایدئولوژیک داشته باشد. کنش‌گری به کل سپاه اسناد داده شده که رخداد عاشورا را کنترل می‌کنند (جدول ۵).

تحلیل توصیفی معلوم و مجهول بودن ارزش‌های تجربی گزینش عناصر

وجود شخصیت اصلی کنش‌پذیر (حضرت عباس) به صورت معلوم بازتولید شده، اما فرایند کنش به وجود آمده نسبت به حضرت عباس به صورت مجهول بازتولید شده است. فرایند شهادت حضرت عباس توسط دوتن که در متن مبدأ نام برده شده (مجهول)، فرایند ضربت خوردن امام حسین توسط مردی از بنی‌دارم با تیری در چانه امام (مجهول). ما با حذف کنش‌گران اصلی مواجه هستیم اما کنش‌پذیرها به صورت معلوم بازتولید شده‌اند. ممکن است اطلاعات در جامعه دوران قاجار به این صورت ارائه شده باشد و یا در پرده ابهام قراردادن کنش‌گران اصلی و تعمیم آن به کل خبر از ایدئولوژی خاصی دهد (جدول ۶).

تحلیل توصیفی سه‌وجه اصلی ارزش‌های رابطه‌ای در گزینش عناصر

سه‌وجه اصلی شامل: خبری، پرسشی-دستوری و امری می‌باشند (Stockwell & Whiteley, 2014: 1-660). در این کاشی‌نگاره از وجه خبری در بازتولید روایت عاشورا استفاده شده است. در باب وجود وجهیت رابطه‌ای در بازتولید روایت عاشورا با این سؤال آغاز می‌کنیم که آیا اقتدار در این روایت وجود دارد؟ اگر هست جهت اقتدار به کدام سمت گرایش دارد؟ سمت مشارکت‌کنندگان منظور است. در این صورت ما می‌توانیم از وجه رابطه‌ای مطمئن شویم. اقتدار و قاطعیت در عناصر سپاه‌ابن‌سعد بازتولید شده است. توانایی برای شهادت حضرت عباس در سپاه‌ابن‌سعد نشان‌دهنده وجهیت رابطه‌ای است. الزام برای بیعت گرفتن و صبر سپاهیان در برابر اهل بیت صراحتاً در بازتولید کاشی‌نگاره بیان نمی‌شود. این اقتدار ضمنی و شبکه‌های قدرت ضمنی است که وجهیت رابطه‌ای را به موضوعی جهت مطرح کردن علائق ایدئولوژیک تبدیل می‌کند.

تحلیل نفسی‌متن مقصد: بافت موقعیتی گفتمان حضرت عباس

پاسخ به چهار سؤال مرتبط با چهار بعد اصلی مضمون کاشی‌نگاره به روشن‌شدن ماجرا کمک می‌کند. ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر آن هستند؟ روابط میان آن‌ها چیست؟ نقش زبان در خصوص روشن‌شدن ماجرا چیست؟ ماجرا، مبارزه‌ای تحت عنوان عاشورا، قسمت مربوط به



به‌جز تیرگی و مقابله در برابر یکدیگر چیزی نبود. پس نوع گفتمان شیعی
اواخر قاجار، انتقادی، انتقاد از موقعیت به وجود آمده در ایران توسط
حکومت بود. موقعیت تکیه معاون‌الملک، محل عبور زائران به کربلا
بود. روحانیت این تکیه را محل توسل به امامان شیعی قرار داده بودند.
موقعیت شکل‌گیری کاشی‌کاری‌ها در زمان احمدشاه، زمان آشفته‌گی‌های
سیاسی و اجتماعی بود. نظم اجتماعی و نظم گفتمان شیعی وابستگی تامی
به فتوای روحانیت داشت و روحانیت کانون قدرت بود. مردم ارتباط
نزدیکی با روحانیت داشتند. روحانیت با همراهی مردم، مبارزات مردمی
را علیه نفوذ سیاسی کشورهای استعمارگر انگلیس، روسیه و... رهبری
کردند و مذهب به‌عنوان یکی از پایگاه‌های قدرتمند اجتماعی مطرح
شد. نظم گفتمان شیعی در مواجهه با مردم بر چهار محور تکیه داشت: ۱.
تقلید، ۲. پیش‌نمازان مساجد، ۳. خطبای منبری، ۴. کتب چاپ‌سنگی.
گفتمان شیعی در مواجهه با حکومت هم بر سه محور تکیه داشت: ۱.
فشارهای مردمی از طریق برانگیختن احساسات آنان، ۲. برخورد مستقیم
از طریق صدور بیانیه و موضع‌گیری و ۳. تأکید بر مظلومیت علمای دین
در برابر زورگویی‌های دستگاه حاکم و پایداری در برابر این اقدامات.
مظلومیت در طول تاریخ تشیع سلاح کارآمدی در برخورد با دشمنان بوده
است؛ زیرا تمام مظلومان و ستمدیدگان را در یک محور جمع می‌کند و
سیاست زورگویانه دستگاه حاکم نیز بر تحکیم این محور و افزایش قدرت
بالقوه انفجاری آن می‌افزاید (آذر شب، ۱۳۸۳: ۷۱-۸۶). ایدئولوژی شیعی
زیربنای تولید گفتمان شیعی بود. موقعیت تکیه می‌طلبید که گفتمان شیعی
بازتولید روایت عاشورا را از هنرمند کاشی‌نگار تکیه طلب کند تا بتواند
از حمایت مردمی برخوردار شود. در این کاشی‌نگاره حضرت عباس و
امام حسین در شرایط دشواری قرار دارند. سپاه ابن‌سعد همچون سدی مقابل
این دونفر قرار گرفته است. مردم در این بافت موقعیتی، در عین حال که
مجبورند در این شرایط نابسامان زندگی کنند، باید از هویت دینی خود
دفاع کنند. پس ناچارند یا تأثیرات بیگانگان را بپذیرند و خود را با آن
همهانگ کنند یا اینکه مقابل آن بایستند و هویت شیعی خود را به قدرت
برسانند. البته راه سومی هم هست، بین هویت بیگانگان و هویت شیعی
خود سرگردان بمانند و با علاقه یا بی‌علاقه، تن به خدمت بیگانگان
بدهند. بافت موقعیت قدرتمندی برای سپاه ابن‌سعد در کاشی‌نگاره در نظر
گرفته شده است. غیر از سپاهیان ابن‌سعد که قدرت بیشتری نسبت به
امام و حضرت عباس دارند، امام و حضرت عباس در موقعیت یکسانی به
تصویر کشیده شده‌اند. موقعیت حضرت عباس در نهایت مظلومیت نسبت
به امام حسین بازتولید شده است.

تحلیل تفسیری متن مقصد: بافت بینامتنیت گفتمان حضرت عباس با توجه به متن مبدأ

در بازتولید روایت عاشورا کاشی‌نگاره، مهم‌ترین رابطه بینامتنیت
را در دو متن می‌توان، تاریخ در نظر گرفت. در رابطه بینامتنیت تاریخی
متن مبدأ، از تاریخ دست‌اول طبق ادعای هگل که گزارش گواهان عینی
رویداد عاشورا استفاده شده است. در رابطه بینامتنیت تاریخی بازتولید
روایت حضرت عباس در متن مقصد، از تاریخ اندیشه‌گرایانه و تاریخ فلسفی

صورت گرفته، در حالی که در متن مقصد این گونه اطلاعات از طریق نشستن
پای‌منبر روحانیت در اماکن مذهبی، در روز عاشورا به دست می‌آید.
در متن مبدأ، زبان به صورت نوشتار، ابزاری در جهت کسب اطلاعات
از شاهدان این واقعه استفاده شده است. هدف از نگارش و تدوین
مقتل‌نامه‌ها در تاریخ‌نگاری اسلامی، ثبت اخلاص و ایثار مردان حق
است (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۲). در حالی که در متن مقصد زبان، ابزاری
در جهت تحقق‌بخشیدن به یک هدف نهادین و گسترده‌تری به کار رفته
است. فر کلاف به بدیهی‌شدن کسب اطلاعات (تعقل و مصاحبه با
شاهد یا نشستن پای‌منبر روحانیت بدون تعقل و مطالعه پژوهش‌های
قبل) اشاره کرده که نه تنها زائر را معین کرده بلکه نحوه ارتباط را تعیین
می‌کند (Van Leeuwen, 2009: 280). زائر نوشتار کتاب ابومخنف
که بر مبنای حقیقت و اطلاعات در دسترس از افراد قابل اعتماد نوشته شده،
در حالی که زائر کاشی‌نگاره، بدون توجه به متن مبدأ، همراه با بی‌سوادی
و کم‌اطلاعی افرادی که وظیفه تبیین روایت را داشتند و به‌ویژه برخورد
احساسی و عاطفی با بازتولید روایت و یا حتی ایدئولوژی‌های سیاسی
خاص دوران قاجار، استفاده ابزاری و مادی از روایت، وجود مستعینی
که اهل مطالعه و پژوهش نبودند، موجبات بسیاری تغییرات این روایت
در ابعاد گسترده اجتماع شد (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۳)، (رجائی نژاد و
بارانی، ۱۳۹۶: ۷۳-۹۶)، (نجفی‌زیدی و صحتی‌سردودی، ۱۳۸۷: ۲۳-۴۶)
و (Mervin, 2009: 978-964) کاشی‌نگار نیز با اطلاعات شنیداری
حاصل از جلسات مفسرین بی‌دقت (نائینی، ۱۳۲۷: ۱-۱۷۶) و تغییراتی
که حاصل از قدرت تخیلات و ذهنیت او بوده به بازتولید روایت
حضرت عباس پرداخته است. نحوه ارتباط با روایت در متن مبدأ مستقیم
و در متن مقصد، غیرمستقیم است. روایت در متن مقصد با پیچیدگی‌هایی
در بازتولید واقعیت شخصیت‌ها و حوادث جاری در نظر گرفته شده
که می‌تواند بیانگر میزان کنترل نهاد سفارش‌دهنده اثر (معین‌الرعایا) در
ایجاد بعد جدیدی از روایت مدنظر و یا حتی ایدئولوژی خاصی باشد
(اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۱۲). فر کلاف برای اشاره به کل فرآیند تعامل اجتماعی
از اصطلاح گفتمان استفاده می‌کند که متن فقط بخشی از آن است. در
اینجا گفتمان شیعی وجود دارد که نظارت بر اطلاعات در سطح جامعه
دارد. هر گفتمان محدودیت‌های خاصی را بر محتوا، فاعلان و روابط و
نیز بر معناهای تجربی، بیانی، رابطه‌ای که از طریق گفتمان مطرح، امکان
بروز یافته‌اند را اعمال می‌کند. ابعاد گفتمان شیعی اواخر قاجار را؛ محتوا
(چستی‌ماجرا)، فاعلان (افراد درگیر) و روابط (مناسبات میان فاعلان)،
تعیین می‌کند. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه ایران قاجار،
روابط با استعمارگران و تاجران بیگانگان، زیر سؤال رفتن مشروعیت، عدم
ارتباطات حسنه با علما، بی‌کفایت‌تر شدن پادشاهان، فاصله گرفتن از
مردم، به خطر افتادن منافع ایرانیان، تجزیه شدن کشور ایران به واحدهای
کوچک‌تر، ناتوانی در ایجاد نظم در کشور مخصوصاً دوره محمدعلی شاه
با به توپ بستن و تبعید و کشتن آزادیخواهان، مبارزات و شورش‌های
مردمی علیه مناسبات قدرت هست که زندگی مردم را تحت تأثیر
قرار می‌دهد. فاعلان قیام‌های اواخر قاجار شامل: دو گروه حکومت و
روحانیت (علما) + ملت بود. روابط بین فاعلان در این بافت اجتماعی،



جدول ۷. مطالعه تحلیلی سطح تفسیر متن مقصد با توجه به متن مبدأ.

بافت بینامتنیت گفتمان حضرت عباس با توجه به متن مبدأ		بافت موقعیتی گفتمان حضرت عباس					
تاریخ		متن مقصد			متن مبدأ		
متن مقصد	متن مبدأ	فعالیت	هدف	عنوان	فعالیت	هدف	عنوان
تاریخ اندیشه گرایانه و تاریخ فلسفی غیر واقعی (روضه الشداء)	تاریخ دست اول گزارش گواهان عینی واقعه عاشورا	شناخت و معرفت کامل و یقین نسبت به مقام ولایت و فداکاری	باز تولید شهادت	مبارزه حضرت عباس	حرکت به سمت رود فرات	رفع تشنگی	مبارزه حضرت عباس

استعمارگران و بیگانگان، دیر یا زود ایران را به اشغال در خواهند آورد و مردم با مظلومیت و تنهایی ایشان نمی‌توانند جلوی نفوذ این گروه‌ها را بگیرند، سعی در توجیه دانش خود و آگاهی دادن به مردم، از طریق تأیید این روایت با نشستن پای منابر گفتمان شیعی، مناسبات اجتماعی، جلسات، روضات و... می‌کند و به این ترتیب به باز تولید گفتمان حضرت عباس می‌پردازد. اعتماد مردم و به‌ویژه هنرمند به گفتمان شیعی که پر قدرت خود را نشان داد، موجب تأیید این روایت شد. کاشی‌نگار مجبور به تأمل درباره موضوعی می‌شود که اگر موفق به توسل ائمه و برانگیختن احساسات توده مردم شود؛ پس در نجات دین خود سهیم بوده و مظلومیت ائمه را نشانی از مظلومیت جامعه دانسته و مسئله ولایت نایب‌الامام و سرخ‌اصلی روایت می‌شود که در فرآیند تغییرات در باز تولید تصویری روایت مورد توجه قرار می‌گیرد. گفتمان شیعی از حکومت بی‌اقتدار و مظلومیت مردم عذاب می‌کشد، پس حکم به باز تولید روایت عاشورا در بافت‌های مختلفی می‌دهد که کاشی‌نگاره یکی از این پایگاه‌هاست. گفتمان شیعی برای تسهیل حضور خود و جلب اعتماد مردم، به‌ویژه در عرصه سیاست در کشور ایران، (کربلا و نجف که پایگاه‌های شیعی بود)، به دنبال ایجاد گفتمانی هم‌سو با منافع خود بود. استفاده ابزاری و مادی از روایت عاشورا به‌ویژه باز تولید مظلومیت گفتمان حضرت عباس با عناصر تصویری چون: دستان جدا شده از بدن برای رفع نیاز به آب، همراه می‌شود.

رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت

باز تولید تغییرات گفتمان حضرت عباس متن مقصد که به تدریج از سوی گفتمان شیعی ایرانی در جامعه ایرانی به وجود آمد، موجب ایجاد گفتمانی انتقادی بود. شیوع برخی انحرافات، تغییرات در روایت گفتمان حضرت عباس، در میان توده مردم از تأثیرات ورود گفتمان شیعی ایرانی به عرصه سیاسی جامعه بود؛ هم‌چنین دل‌کندن شخصیت‌های شیعی از گوشه‌نشینی و روی آوردن به قیام‌ها، مبارزات، از جان گذشتن‌ها و تسلیم شرایط نامساعد اجتماعی و سیاسی نشدن، حضور پررنگ روحانیت بین مردم و گوش به فرمان بودن مردم توسط گفتمان شیعی، توسل به حضرت عباس و امام حسین که در جریان مبارزات ناخواسته با مظلومیت و تنهایی به تصویر کشیده شدند، احساسات مردمی را هدف قرار دادن، از تأثیرات تغییرات در باز تولید گفتمان حضرت عباس است که در آینده، جامعه و افراد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گفتمانی که

(روضه‌الشهداء) که جزو تاریخ دست‌اول نیست، استفاده شده است (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۴). طبق ادعای مطهری در خلق این تغییرات، علاوه بر گویندگان، علما و ملت هم مقصر بودند (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۸). متأسفانه طبق ادعای حاج میرزا حسن نوری مرکز روضه‌های دروغ در کربلا، نجف و ایران؛ یعنی مراکز تشیع تجمیع شده بود (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۴). در متن مقصد به دلیل کاربرد مذهبی و آیینی موقعیت تکیه، واعظین و مداحان از کتب مقاتل به‌ویژه روضه‌الشهداء، استفاده زیادی کردند. در نتیجه هنرمندان برای به تصویر کشیدن مکتوبات از نمایش تصویری مطالب نقل شده استفاده می‌کردند (عسگری، ۱۴۰۰: ۱۵۵). با توجه به اینکه روضه‌الشهداء از نخستین مقاتل فارسی محسوب می‌شود، اصالتاً کتابی تاریخی نیست. میرزا عبدالله افندی اصفهانی اکثر روایات این کتاب؛ بلکه همه آن را مأخوذ از کتب غیر مشهور و غیر قابل اعتماد می‌داند (افندی اصفهانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۳۱). شهید مطهری به این اثر ایراد گرفته و آن را پر از دروغ می‌خواند و تألیف آن را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین می‌داند (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۴۰). جان‌مایه اندکی باز تولید شده اما انتقال ساختار و چارچوب کلی متن مبدأ رعایت نشده است. نوع گزینش عناصر، متفاوت از متن مبدأ جهت برجسته‌سازی قسمتی از متن و پنهان‌سازی قسمت دیگر است. باز تولید مظلومیت در متن مقصد کل روایت حضرت عباس را تحت الشعاع قرار داده است. بنابراین هنرمند در گزینش عناصر روایت حضرت عباس با توجه به متن مبدأ، فراتر رفته، نظم اجتماعی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه را دخیل کرده و حمایت مردمی را طلبیده است. تنهایی ائمه در برابر بزرگی توده سپاه دشمن، انسان دوستی، نیاز و... همه در باز تولید این روایت استعاره‌ای از هدف گفتمان شیعی است (جدول ۷).

تحلیل سطح تبیین: باز تولید گفتمان حضرت عباس

تشخیص آثار گفتمان حضرت عباس بر نهادهای اجتماعی و مردم هدف این سطح است. مؤلفه‌های گفتمان شیعی قاجار در باز تولید تصویری عناصر متن مقصد تأثیر گذار بوده است. کاشی‌نگار به باز تولید تصویری گفتمان حضرت عباسی می‌پردازد که در ایران توسط گفتمان شیعی قاجار تولید شده بود. کاشی‌نگار با تأیید ضمنی صحت روایت حضرت عباس توسط گفتمان شیعی (واعظین، گویندگان، علما و روحانیت)، به توجیه مظلومیتی می‌پردازد که دامان حضرت عباس را گرفته است. هنرمند با این توجیه که



جدول ۸. مطالعه تحلیلی سطح تبیین متن مقصد با توجه به متن مبدأ.

رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت	بازتولید گفتمان حضرت عباس
ایجاد گفتمانی انتقادی و ضداستعماری	تائید ضمنی صحت روایت حضرت عباس توسط گفتمان شیعی در ذهن هنرمند
ایجاد تغییرات و انحرافات که از تأثیرات ورود گفتمان شیعی ایرانی به عرصه سیاسی جامعه	وجود استعمارگران، بیگانگان در ایران
تأثیرات تغییرات در بازتولید گفتمان حضرت عباس در جامعه ایران	ناتوانی مردم در کنترل استعمارگران با تأکید بر ولایت و مظلومیت
دل‌کنند شخصیت‌های شیعی از گوشه‌نشینی، روی آوردن به قیام‌ها، مبارزات، از جان‌گذشتن‌ها و تسلیم شرایط نامساعد اجتماعی و سیاسی نشدن، حضور پررنگ روحانیت بین مردم و گوشه‌به‌فرمان بودن مردم توسط گفتمان شیعی، توسل به حضرت عباس و امام حسین که در جریان مبارزات ناخواسته با مظلومیت و تنهایی به‌تصویر کشیده شدند، مسئله ولایت نایبان امام، احساسات مردمی را هدف قرار دادن.	نشستن پای منابر گفتمان شیعی، مناسبات اجتماعی، جلسات، روضات
	اقدام به بازتولید گفتمان حضرت عباس بدون در نظر گرفتن صحت مطالب
	اعتماد مردم و به‌ویژه هنرمند به گفتمان شیعی
	مظلومیت ائمه، نشانی از مظلومیت جامعه، ولایت نایبان امام
	حکومت بی‌اقتدار قاجار
	استفاده ابزاری و مادی از روایت عاشورا به‌ویژه بازتولید مظلومیت گفتمان حضرت عباس

مشکلاتی همچون نادیده گرفتن تأثیر ساختارهای گفتمان مدار متن مبدأ را به وجود می‌آورد؛ بنابراین با به کارگیری این رویکرد علاوه بر سطح توصیف عناصر تصویری کاشی‌نگاره، به تحلیل، تفسیر و تبیین بافت موقعیتی و اجتماعی بازتولید روایت گفتمان حضرت عباس تکیه معاون‌الملک پرداختیم و رابطه زبان متن مبدأ و مقصد را با ساختارهای خاصی که موجب طبیعی‌شدگی ایدئولوژیک زبان مقصد شد، ارزیابی کردیم. سعی بر آن داشتیم تا با تحلیل عناصر تصویری بافت گفتمانی و موقعیتی متن مقصد و انتخاب‌های کاشی‌نگار با توجه به متن مبدأ، ایدئولوژی و گفتمان ناظر بر این بازتولید را با استناد به رویکرد تحلیل‌گفتمان انتقادی روش‌مند کنیم. در پاسخ به سوالات پژوهش می‌توان اذعان داشت، مضمون کاشی‌نگاره، در تقابل با اندیشه و گفتمان استعماری حکومت قرار گرفته است. کاشی‌نگار برای نشان دادن تقابل در جامعه، با درآمیختن روایت حضرت عباس به همراه واقعیت در خیال، بی‌توجهی به اصل روایت، جنبه‌هایی از زندگی حضرت عباس را بازتولید کند. حضرت عباس، قهرمان مبارزه با استعمارگران چه داخلی و یا خارجی (روس و انگلیس و...) نماد کامل مبارز در قالب انسانیت مطلق، سازش‌ناپذیر، مصمم و جدی است. سپاه ابن سعد و مرد بنی‌دارمی به دلیل خیانت به دین و شیعیان، ضدقهرمان مطلق هستند و تقابل اینان با امام حسین و حضرت عباس در واقع تمثیل و جلوه‌ای از تقابل میان گفتمان شیعی و گفتمان استعماری حکومت؛ تقابلی از وطن‌پرستی و خیانت به آن و هم‌چنین ایران، نماد جامعه سنتی و شیعی است که بی‌تفاوتی به آن نماد نادیده‌انگاشتن مذهب، سنت و خروج از زندگی با اندیشه شیعی است که به سمت غرب‌زدگی و وابستگی به استعمار پیش می‌رود. در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک، گفتمان حضرت عباس در قالب رفتار و گفتار شخصیت حضرت عباس و امام حسین تولید و بازتولید می‌شود که با توجه به متن اصلی روایت با تغییراتی همراه است. در قالب گفتمان حضرت عباس برخی از رفتارهای اجتماعی مانند: روحیه‌تقلی و جست‌وجو برای اصیل‌بودن منبع، اعتماد مطلق‌نداشتن و تقلد نبودن، برعکس شده و جای خود را

در روایت حضرت عباس بازتولید می‌شود گفتمانی انتقادی و ضداستعماری است که سعی در نفی استعمار و نشان دادن چهره حکومت دارد. برای مثال در کاشی‌نگاره بازتولید تصویری تنهایی و مظلومیت حضرت عباس و امام حسین، اعمال فجیع و قتل‌های استعمارگران و حکومت غافل را نشان می‌دهد؛ برجسته‌سازی‌ها (نسبت‌اندازه امام حسین و حضرت عباس و سپاه ابن سعد) و پنهان‌شدگی‌ها (اصل ماجرا) آشکار می‌شود. سراسر متن مقصد، عرصه تقابل دو گفتمان برجسته در ساحت ایرانی کرمانشاه است؛ یکی گفتمان شیعی که در پس گفتمان حضرت عباس قرار گرفته و بر اساس هویت ایرانی اسلامی است و دیگری گفتمان استعماری حکومت است. تقابل خیانت به دین، وطن و فداکاری برای آن، تعهد و بی‌تعهدی، دوستی، دشمنی و... همگی فضای گفتمان حضرت عباس در متن مقصد را در هیجانی تقابلی فرورنده است. کاشی‌نگار سعی کرده تا روابط قدرت را در گفتمان‌های حضرت عباس، استعماری، هویت ایرانی اسلامی نشان دهد و با ایجاد فضای تقابلی، مبارزات خود را با گفتمان غالب یعنی گفتمان استعماری، به صورت علنی نشان دهد. کاشی‌نگار پیوسته تلاش کرده است، گفتمان حاکم را رد و گفتمان حضرت عباس و هویت ایرانی اسلامی را تثبیت کند (جدول ۸).

نتیجه‌گیری

این پژوهش، با رویکرد تحلیل‌گفتمان انتقادی زبان بصری کاشی‌نگاره واقعه عاشورا تکیه معاون‌الملک را هم‌چون عملی اجتماعی در ارتباط با عناصر فزاینده و روابط قدرت مشارکان در سطح گفتمان بصری مورد مطالعه قرارداد تا تغییرات ساختاری روایت حضرت عباس با توجه به مقتل ابومخنف شناسایی شود. بر این اساس با هدف شفاف‌سازی گفتمان و اشارات ضمنی پنهان تلاش شد تا به پرسش‌های پژوهش که در پی شناخت گفتمان‌های موثر در تغییر ساختار روایت عاشورا و فرآیند بازتولید روایت حضرت عباس بود، پرداخته شود. پس از بررسی یافته‌های حاصل از دومین مبدأ و مقصد مشخص شد که با توجه به رویکرد نورمن فر کلاف چگونه تحریفات زبان‌شنیداری گفتاری در فرایند بصری‌سازی نمایان می‌شود و



ربانی زاده، سیدمحمد رحیم و محمدزاده، سیدحسام (۱۳۹۹). نقد کتاب تحول گفتمانی در گزارش واقعه کربلا با رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۲۰(۱)، ۱۲۷-۱۴۹.

<https://doi.org/10.30465/crtls.2020.5041>

رجائی نژاد، محمد و بارانی، محمد رضا (۱۳۹۶)، علمای شیعه لبنانی و اصلاح فرهنگ عزاداری بازتابی از اصلاح طلبی علمای ایرانی با تکیه بر کتاب مبارزه علمای اصلاح طلب لبنان با تحریفات عاشورا. شیعه پژوهی، ۱۳(۴)، ۷۳-۹۶. magiran.com/p1865515

شیرزادی، آتنا؛ درویشی، محمد و بکائیان، داود (۱۴۰۰)، ارتباط موضوع و رنگ در کاشی نگاره های عاشورایی تکیه معاون الملک کرمانشاه، فصلنامه نگره، ۱۶(۵۷)، ۵-۲۳. doi: 10.22070/NEGAREH.2021.5507.2509

شهبازی، سیاوش و شهبازی، سروش (۱۳۸۶)، تکیه معاون الملک جلوه گاه هنر مذهبی و حماسی و چهره های تاریخی ایران، کتاب ماه هنر، ۱۰۳(۱)، ۴۶-۵۱. <https://ensani.ir/fa/article/90357>

طباطبایی، صالح (۱۳۹۱)، دانشنامه هنر و معماری ایرانی، تهران: فرهنگستان هنر.

عسگری، فاطمه و اقبالی، پرویز (۱۳۹۱)، تأثیر نقاشی قهوه خانه ای در ساختار اعلان های عاشورایی، جلوه هنر، ۴(۱)، ۴۱-۵۸. doi: 10.22051/jjh.2012.6

فرکلانف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها. شابک: ۶۵۳۹۷۸۹۶۴۶۷۵۷

مهدی آبادی، ملیحه و خدیوی، سیامک (۱۳۸۱)، تغییرات در معماری و تزئینات تکیه معاون الملک کرمانشاه، فصلنامه اثر، ۲۳(۳۳ و ۳۴)، ۱۰۰-۱۴۵. <http://journal.richt.ir/athar/article1-212-fa.html>

مظهری، مرتضی (۱۳۸۳)، حماسه حسینی (جلد ۱)، قم: انتشارات صدا.

نائینی، محمدحسین (۱۳۲۷)، تنبیه الامه و تنزیه الملکه، مقدمه: سیدمحمود طالقانی، انتشارات شرکت سهامی انتشار.

نوروزی، نسترن (۱۳۹۶)، خوانش جامعه شناختی مضامین کاشی های تکیه معاون الملک، جامعه شناسی هنر و ادبیات، ۹(۲)، ۲۱۳-۲۵۲. doi: 10.22059/jsal.2018.252082.665596

نجفی یزدی، سیدمحمد و صحتی سردرودی، محمد (۱۳۸۸)، تأمل در کتاب عاشورا پژوهی، پژوهش نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۲۸(۸)، ۲۳-۴۶.

<http://noo.rs/FOjsD>

یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳)، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: انتشارات هرمس. ۱۴-۱۶.

بختیار، زهرا (۱۳۸۸)، تاریخ اسلام: فلسفه تاریخ یعقوبی، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، ۴(۲)، ۱۰۹-۱۲۲.

<http://noo.rs/NRbA2>

یوسفی غروی، محمدهادی (۱۳۸۰)، وقعه الطیف بازسازی مقلد ابوال

به ناگاه اجتماعی و مقلد گفتمان شیعی بودن، بدون تفحص و تعقل پذیرفتن بی چون و چرا و راضی بودن به رضایت گفتمان شیعی، می دهد. گفتمان انتقادی حضرت عباس در قالب کاشی نگاره و باز تولید تصویری آن در رفتار امام حسین و حضرت عباس، پیامدهای منفی استعمار بر جامعه را نشان می دهد. کاشی نگار با گزینش ساختار و عناصر تصویری خود، استفاده از نمادپردازی و معانی ضمنی و اشاره به قهرمانان شیعی، به خلق داستان خود پرداخت. بسامد این باز تولید و گزینش ها در روایت و نمادها، نشانگر وجود تغییراتی تازمان حاضر می باشد.

پی نوشت ها

1. Fairclough's Critical Discourse Analysis
2. Deborah Tannen
3. Michael Stubbs
4. Joanna Thornborrow
5. Zellig Harris
6. Teun A. Van Dijk
7. Norman Fairclough
8. Ruth Wodak

فهرست منابع فارسی

- آذر شب، محمدعلی (۱۳۸۳)، تاریخ صدساله روحانیت، ترجمه رضا بسطامی، زمانه مهر. شماره ۲۵، ۷۱-۸۶. <http://noo.rs/gwG7b>
- اسکارچیا، جیان روبرتو (۱۳۸۴)، هنر صفوی، زند و قاجار (چاپ دوم)، ترجمه یعقوب آژند، مولی: تهران.
- افندی اصفهانی، عبدالله بن عسیب یگ؛ حسینی اشکوری، احمد و مرعشی، محمود (۱۴۰۱)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (جلد دوم)، به کوشش سیداحمد حسینی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، <https://noo.rs/8YZGK>
- امیرشجاعی، آناهیتا؛ عطارزاده، سارا و خلیلی زاده گنجعلی خانی، مرضیه (۱۳۹۳)، رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان در نقد ترجمه. National Conference on Language, Literature and Translation in Education, ۸(۱۹)، ۷-۳۲.
- پنجه باشی، الهه و فرهد، فرنیبا (۹۴۱۳)، مطالعه نقوش مذهبی در کاشی های تکیه معاون الملک، نگارینه هنر اسلامی، ۲(۷)، ۱۵-۲۹. doi: 10.22077/nia.2017.742.1021
- جدیدی، حمیدرضا (۱۳۹۹)، نقش روضه شهدای کاشفی در گسترش تحریفات تاریخ عاشورا، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۳(۴۷)، ۲۲۹-۲۵۸. <https://doi.org/10.30495/>
- <https://doi.org/10.30495/258-229.47.13>
- <https://doi.org/10.30495/258-229.47.13>
- dk.2021.682096
- حسینی اجداد، سیداسماعیل و سیرتی مهر، فاطمه (۱۳۹۸)، تحلیل گفتمان انتقادی داستان گرگ یوسف بر اساس رویکرد فرکلانف. فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، ۴(۱۳)، ۹-۳۴. doi: 10.22081/jrla.2019.55051.1229
- خنیفر، حسین (۱۳۹۵)، اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی (جلد اول)، تهران: نگاه دانش. ۱۳۰-۱۳۶. شابک: ۹۶۴۱۵۷۳۴۶۲



cial change. Cambridge: Polity, 1992. Pp. vii 259. *Language in Society*, 22(3), 421-424. doi:10.1017/S0047404500017309

Fairclough, N. (2003). *Analyzing discourse: Textual analysis for social research*. London: Routledge.

Fairclough, N. (2001). Critical discourse analysis as a method in social scientific research. *Methods of critical discourse analysis*, 5(11), 121-138.

Fairclough, N. (2001). *Language and power*. Harlow: Longman.

Fairclough, N. (2010). *Critical discourse analysis: The critical study of language* (2nd ed.). London: Longman.

Mazid, B. M. (2014). CDA and PDA Made Simple: *Language, Ideology, and Power in Politics and Media*. United Kingdom: Cambridge Scholars Publisher. ISBN:9781443871709, 1443871702

Fairclough, N. L. (1985). Critical and descriptive goals in discourse analysis. *Journal of pragmatics*, 9(6), 739-763. [https://doi.org/10.1016/0378-2166\(85\)90002-5](https://doi.org/10.1016/0378-2166(85)90002-5)

Fairclough, N. (2013). A dialectical-relational approach to critical discourse analysis in social research1. In *Critical discourse analysis* (pp. 230-254). Routledge.

Fairclough, N. (2013). *Critical discourse analysis*. In *The Routledge Handbook of Discourse Analysis*. (pp. 9-20)

Van Dijk, T. A. (2013). *Ideology and discourse analysis*. In *The Meaning of Ideology*. Routledge. (pp. 110-135)

Stockwell, P. & Whiteley, S. (Eds.). (2014). *The Cambridge handbook of stylistics*. Cambridge University Press.

Van Leeuwen, T. (2009). *Critical discourse analysis*. *Discourse, of course: An overview of research in discourse studies*, 277-292.

Mervin, S. (2009). مبارزه علمای اصلاح‌طلب لبنان با تحریفات عاشور. *Mobârzeh-ye'olamâ-ye eslâh talab-e Lobnân bâ tahrifât e'ashurâ*. Centre National de la Recherche Scientifique.

Stubbs, M. (1983). *Discourse analysis: The sociolinguistic analysis of natural language* (Vol. 4). University of Chicago Press. ISBN:9780226778334, 0226778339

Tannen, D. (Ed.). (1993). *Framing in discourse*. Oxford University Press, USA. ISBN:9780195079968, 0195079965

Schiffirin, D. (1994). *Approaches to discourse* (Vol. 8). Oxford: Blackwell.

Thornborrow, J. (1995). Deborah Schiffirin, *Approaches to discourse*. Cambridge, MA & Oxford: Blackwell, 1994. Pp. x+ 470. *Journal of Linguistics*, 31(1), 193-194. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0022226700000700>

Gee, J. P. & Green, J. L. (1998). Chapter 4: Discourse analysis, learning, and social practice: A methodological study. *Review of research in education*, 23(1), 119-169. <https://doi.org/10.3102/0091732X02300>

Van Dijk, T. A. (1993). Principles of critical discourse analysis. *Discourse & Society*, 4(2), 249-283. <https://doi.org/10.1177/0957926593004002006>

Wodak, R. (2011). Critical linguistics and critical discourse analysis. *Discursive pragmatics*, 8, 50-70.

Zupnik, J. (1991). *Norman Fairclough, Language and power*. London: Longman. 1989 Pp. x 248. *Language in Society*, 20(2), 265-269. doi:10.1017/S0047404500016316

Van Leeuwen, T. (2009). *Critical discourse analysis*. *Discourse, of course: An overview of research in discourse studies*, 277-292.

Fairclough, N. (1992). Discourse and text: Linguistic and intertextual analysis within discourse analysis. *Discourse & Society*, 3(2), 193-217. <https://doi.org/10.1177/0957926592003002004>

Frawley, W. (1993). Norman Fairclough, *Discourse and so-*